

زبان در تفکر هایدگر

مرضیه پیراوی ونک

۱۳۸۳

انتشارات ایرا

www.ketab.ir

سروش‌نامه: پیراوی‌ونک، مرضیه، ۱۳۵۲ - عضو هیأت علمی، دانشگاه تهران

عنوان و نام پدیدآور: زبان در تفکر هایدگر / نویسنده مرضیه پیراوی‌ونک

مشخصات نشر: تهران: انتشارات ایران، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۱۹۵ ص.

فروست: فلسفه.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۴۷-۴۴-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: هایدگر، مارتین، ۱۸۸۹ - ۱۹۷۶ م. -- نقد و تفسیر

موضوع: زبان -- فلسفه

رده‌بندی کنگره: B ۳۲۷۹ / ۲۹۴ پ ۸۷ ۱۳۹۳

رده‌بندی دیویی: ۱۹۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۷۱۵۳۳



انتشارات ایران

زبان: فارسی / نویسنده: هایدگر

نویسنده: سید پیراوی ونگ
عضو هیأت علمی دانشگاه همدان

ویراستار: کریم قنبری

صفحه آرایی: سعید نوری

طراح جلد: ایمان نوری

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۴۷-۴۴-۹ / ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۴۷-۴۴-۹

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰ / نسخه / قیمت: ۱۰۵۰۰۰ ریال

مرکز پخش: ۸۸۹۴۸۰۹۳

آدرس: تهران، خیابان خرمشهر غربی، پلاک ۲۰۸
مؤسسه‌ی فرهنگی مطبوعاتی ایران

تلفن: ۸۸۷۶۱۲۲۰ و ۸۸۵۴۸۸۹۲

کلیه حقوق برای انتشارات ایران محفوظ است.

تهران صندوق پستی: ۵۳۸۸ - ۱۵۸۷۵

info@iranpublisher.com

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۵	فصل اول: لوگوس و دانایی
۱۷	درآمد
۲۸	لوگوس/زبان در وجود و زمان
۴۹	لوگوس/زبان در درآمدی بر متافیزیک
۷۱	فصل دوم: لوگوس و حقیقت
۷۳	زبان و حقیقت
۷۷	زبان و هنر
۸۹	زبان در «هولدرلین و ذات شعر»
۱۰۳	زبان و انسان
۱۲	فصل سوم: گفت و وجود
۱۵	هایدگر متأخر و زبان
۵۳	زبان، شعر، سکنی گزیدن
۶۳	زبان، تفکر، همسایگی
۱۹۲	کلام آخر
۱۹۵	پی‌نوشت‌ها
۱۹۹	منابع و مآخذ

پیشگفتار

مارتین هایدگر^۱ متفکر بزرگ المان است. او در جوانی فلسفه را از هستی کرد. جرقه‌ی آغازین اندیشه‌ی او به دوران جوانی اش باز می‌گردد؛ هنگامی که به طور تصادفی با کتاب برنتانو^۲ با نام معانی وجود نزد ارسطو^۳ روبه‌رو شد و نویسنده و ارسطو را هم‌نوا با خود دید. برنتانو در کتاب این پرسش را مطرح می‌کند که وجود چیست که در هر مقوله‌ای به شکل این مسئله خود را نشان می‌دهد؟ وجود چیست که با جوهر، جوهر است و با عرض، عرض است؟^۴ این پرسش کتاب، طلب همیشگی هایدگر برای پرسش از وجود را بنانه‌ها. این پرسش پرسش همیشگی هایدگر است که در تمام مراحل رشد اندیشه‌ی او همچنان پابرجا است. او از یک طرف کاملاً آشنا با پدیدارشناسی هوسرل^۵ است و از طرفی دیگر با فلسفه با اندیشه‌های هرمنوتیکی دیلتای^۶ و دیگران. هایدگر علاوه بر آشنایی با تمام

1. Martin Heidegger (1889-1976)

2. Franz Brentano (1838-1917)

3. On the manifold Sense of Being in Aristotle

4. Edmond Husserl (1859-1938)

5. Wilhelm Dilthey (1833-1911)

فلاسفه، در فن بسیار مهم اتمولوژی^۱ یا ریشه‌شناسی کلمات (که یافتن معنای کلمه است آنچنان که در عهد باستان به کار می‌رفته) نیز توانایی ویژه‌ای نشان داده است. به نظر هایدگر فلسفه‌ی غرب سیری را طی کرده است که آن سیر، سیر دور شدن و غفلت از وجود است. توجه هایدگر به عهد باستان به خاطر تفکر حضوری و شاعرانه‌ی آن دوره است که پیوسته معطوف به خود هستی (اساس) است.

وجود در تفکر حکمای پیش از سقراط بی‌واسطه‌تر خود را نشان می‌داد و اندیشمندان با قرب بیشتر با خود وجود تماس داشتند؛ اما به مرور وجود جای خود را به واسطه‌ها داد. متافیزیک از جایی شروع شد که شبکه‌ی مفهوم‌پردازی جای اساس را واسطه‌ها گرفت و مفاهیم قالب‌های ذهنی، هر آنچه هست را از دسترسی بی‌واسطه‌ها دور کرد. هایدگر تلاش می‌کند سیر دوری از وجود و نزدیکی به مفهوم را که در واقع به غفلت و فراموشی است نشان دهد. از نظر او هر چه به دوره‌های جدید نزدیک‌تر شد، هایدگر غفلت بیشتر شده است. او معتقد است برخلاف متفکران عهد باستان (هرمانس^۲ و پارمنیدس^۳) که انس با وجود داشتند و از خود حقیقت (الثیا^۴) سخن می‌گفتند، به مرور به ویژه با ظهور سوفسطاییان از حقیقت فاصله‌ی بسیار زیادی گرفته‌اند که حتی آن‌ها که در پی احیای حقیقت بودند نیز دیگر بازگشت قبلی هرمانس و پارمنیدس را نداشتند و ایده‌های وجود را گرفت. بنابراین در اولین گام پرسش از وجود و وجود به پرسش از موجود تنزل پیدا کرد.

بعد از فلسفه‌ی یونانی در فلسفه‌های مسیحی نیز وجود که محور تفکر است به موجود تنزل پیدا کرد و حتی خدا هم در زمره‌ی موجودات قرار گرفت. دوره‌ی جدید بشر خود را ملاک و معیار حقیقت و چیستی اشیا معرفی می‌کند و ادعا می‌کند که «حقیقت چیزها عبارت است از آنچه من به نحو واضح و بی‌پیرایه درک می‌کنم»؛ پس حقیقت با یقین یکی انگاشته می‌شود و ملاک همه‌ی موجودات

1. Etymology

2. Heraclitus (535-475 B.C.)

3. Parmenides (540-450 B.C.)

4. elcthia

5. Descartes (1596-1650)

من متفکر می‌شود. سیر دوری از حقیقت در دوری جدید به اوج می‌رسد. در تفکر کانت^۱ که بسط پایه‌های فکری دکارت است، موجود به امر ایترکتیو تقلیل می‌یابد و وجود نیز یکی از مقولات فاهمه‌ی بشری معرفی می‌شود؛ یعنی در واقع نه تنها از وجود غفلت می‌شود که موجود هم عبارت می‌شود از چیزی که به فاسایی مادر می‌آید و هرگز اجازه داده نمی‌شود موجود آنچنان که هست، خود را نشان دهد.

در تفکر هگل^۲ نیز وجود به روح مطلق تبدیل می‌شود که در واقع همان خودآگاهی است و همه‌ی هستی جلوه‌های مختلف این روح است. قبل از کانت و هگل، لایب‌نیتس^۳ موجود حقیقی را مناد^۴ می‌داند که ادراک و میل و اراده است. بعد از هگل، پیچیده‌ی وجود حقیقی را اراده به قدرت می‌داند. بنابراین به تفسیر هایدگر در مابعدالطبیعه‌ی غربی یک سیر فزاینده‌ی دور شدن از وجود را می‌بینیم. به نظر هایدگر، متافیزیک فقط به یک ساحت از وجود توجه کرده‌ایم و آن ساحت، ساحت ظهور و وجود است. اگر چه وجود در همه جا ظهور پیدا می‌کند، وجه مخفی و پنهانی‌ای دارد که مابعدالطبیعه‌ی آن غافل شده است. آنچه در تاریخ مابعدالطبیعه‌ی غربی حاکم است به آن بیشتر توجه شده، مفهوم وجود است. وجود را نه باید منحصر به ظهور دانست و نه در مفاهیم انسانی به دنبال آن گشت. به نظر هایدگر تفکر باید نحو خاص معطوف به پنهانی بنهان وجود باشد و این چیزی است که در مابعدالطبیعه به فراموشی سپرده شد و بشر امروز را دچار سرگردانی، حیرانی و توهم تسلط بر عالم و آدمی کرده است. آنچه باید به آن بازگشت نه رجوع به عهد باستان که بازگشت به وجود و پرسش از آن است. بازگشت برای این بازگشت به «تفکیک و تخریب تاریخ هستی‌شناسی»^۵ می‌پردازد تا سیری را که به غفلت از هستی و پیدایش مفاهیم جدید از عالم و آدم منجر شده است، با گذار از متافیزیک راه را برای تفکر حضوری و همراه با ذکر هموار سازد. هایدگر

1. Kant (1724-1804)

2. Hegel (1770-1831)

3. Leibniz (1646-1716)

4. monad

5. Nietzsche (1844-1900)

6. ontology

به نقادی ژرف تاریخ متافیزیک غربی و به تفکیک و تخریب مسلمات و مشهورات و مبانی آن پرداخته است و نشان داده همه‌ی اندیشه‌های مألوف و مأنوس ما حجاب‌های عظیمی است بر چهره‌ی وجود.

در باب بحث زبان نیز باید گفت هایدگر در دوره‌های مختلف تفکر خویش، زبان را همواره متناسب با پرسش از وجود مطرح می‌کند. تفکر هایدگر را به دوره‌های مختلف تقسیم می‌کنند اما هرگز این گونه نیست که هایدگر دوره‌ی متأخر، نافی تفکرات هایدگر دوره‌ی متقدم باشد. این مهم در بحث زبان آشکار است. در کتاب *بود و زمان*^۱ اگرچه زبان نقش آشکار کننده یا نامستورگر داننده دارد، چهار هستی‌داز این^۲ است. هایدگر در کتاب *درآمدی بر متافیزیک*^۳ برای زبان نقش محوری در نیای پرسش از هستی، که در طول تاریخ متافیزیک - با نشان دادن موجود به وجود - فراموشی سپرده شده است، قائل می‌شود. به نظر او از آن جا که زبان به تمام وجود است تفحص در زبان تأمل در خود وجود است. هایدگر با تأسی یونانی باستان با تأمل در کلمه‌ی «هستی» یا «وجود»، پیوند بین وجوه مختلف هستی را درمی‌یابد که تعبیر مختلفی همچون فوزیس^۴ (به ظهور در آورنده)، لوگوس^۵ (مقاله جمع)، دیکه^۶ (نظام بخش) و نوئین^۷ (یافت) را به خود اختصاص داده‌اند. به نظر او اینها تعابیر مختلف برای یک حقیقت واحد از وجوه مختلف‌اند که در طول تاریخ متافیزیک به یو-بینشان و حقیقتی که به آن اشاره دارند به فراموشی سپرده شده است. در کتاب *هستی و ذات حقیقت*^۸ که از آثار دوره‌ی میانی تفکر هایدگر است، زبان با توجه به تعریفش در اول از حقیقت به مثابه مطابقت، عامل اساسی در بازنمایی و حاضر گرداندن چیزی که گزاره درباره‌ی آن است، معرفی می‌شود. هرچه بیشتر سخن می‌گوییم، آن چیزی را کمتر

1. Being and Time

2. Dasein

3. Ein Führung in die Metaphysik

4. physis

5. logos

6. dike

7. noein

8. On the Essence of the Truth

حاضر می‌کنیم. نقش زبان در بازنمایی چیزها به خاطر انکشاف و فتوحی است که انسان از آن برخوردار است؛ انکشاف و فتوحی که دریچه‌ای از ساحت مکشوف و گسترده‌ی هستی است.

در *سراغاز کار هنری*^۱ - که نزدیک به تفکر دوره‌ی متأخر است - زبان با توجه به ذات آن که شعر (پوئیسیس^۲، فرا آوردن نامستوری) است، مورد توجه قرار می‌گیرد. شعر که زبان اصیل (ذات زبان) و اساس تمام هنرهاست با ایجاد کشمکش بین عالم (ساحت گشوده‌ی هستی) و زمین (وجه فرو بسته‌ی هستی)، فرا آورنده‌ی جهان نامستوری (حقیقت) است. هنر مقام خویش در پیش آمد حقیقت را مدیریت، تعلیق بیان زبان و حقیقت است. مقدمه‌ی کار هنری، گشایشی است که برای اولین بار در سنت زبان پیش می‌آید. هایدگر در *هولدرلین و ذات شعر*^۳ با وام گرفتن پنج گفتار *اندر لدر* هایدگر را می‌بیند که به نظر او شاعر شاعران است چون ذات شعر را سروده - و تفسیر آن را به سر خطیر زبان (نامیدن شاعر) به سکنی گزیدن آدمی بر روی زمین می‌پردازد. تفسیر بسیار مهم «زبان، خانه‌ی وجود است» در *نامه‌ی در باب اومانیزم*^۴ نشانگر سان زبان نیز نباید گراست. در این اثر مهم، زبان به مثابه خانه یا ساحتی لحاظ شده که هر آنچه هست در آن مقیم است. ظهور یا موجود شدن هر موجود با نامیدن، یعنی از راه زبان، میسر می‌شود و انسان محافظ و نگهبان این خانه است. در آثار متأخر به ویژه *در باب لایحه‌ی زبانی*^۵ و *شعر، زبان و تفکر*^۶، زبان به نحو روشن و متمایزی زبان با حقیقت هستی هم آغوش است. در واقع زبان، زبان وجود است، چرا که لوگوس هم نام هستی است و هم نام زبان. زبان گفت (بخشش) هستی است که هر آنچه هست را با زبان اشاره می‌کند و خود را در پس ظهورات مخفی می‌کند و راه را برای تفکر شاعرانه باز می‌کند. زبان «رویداد از آن خود کننده» است که در هر دوره چیز دیگری می‌گردد یا به نحو دیگری ظهور می‌کند و برای رساندن پیام یا دعوت خویش (برای به ظهور

1. The Origin of the work of Art

2. poiesis

3. Holderlin and the Essence of Poetry

4. letter on Humanism

5. On the Way to Language

6. Poetry, Language and Thought

در آوردن)، پیام‌رسان‌هایی را که شنوای پیامش و نگهبان خانه‌اش هستند، به خود تخصیص می‌دهد. شاعران و متفکران حقیقی در هر قوم پاسخ‌دهندگان به دعوت لوگوس و پایه‌گذاران تاریخ قوم‌اند. تفکر شاعرانه، طریقی است که هایدگر دوره متأخر برای نزدیک شدن به وجود برمی‌گزیند.

سعی این کتاب بر آن است که با توجه به دغدغه‌ی هایدگر و طلب همیشگی او از وجود به بحث زبان بپردازد.

جای دارد از لطف و همراهی مؤسسه‌ی مطبوعاتی ایران، جناب آقای محمدتقی و آقای سید عماد حسینی کمال تشکر و قدردانی را به جای آورم و صمیمانه از اطف فرزندم امیرحسین به خاطر کمک در بازخوانی و تصحیح سپاس‌گزارم.